

منبر انقلابیون؛ پایگاه چریک‌ها

■ نگاهی به کتاب «تاریخ شفاهی مسجد هدایت»

«متاع کفر و دین بی مشتری نیست گروهی این، گروهی آن پسندند.» این آزاد اندیشی موجب جذب جوانان به مسجد و کسادی سینما شده بود. تاجایی که صاحب سینما برای بستن درب مسجد دو هزار تومان آن روز به کلاتری پول داده بود. از طرف دیگر روحانیون وابسته و مزوی نیز علیه طالقانی تبلیغ می‌کردند که این مسجد مرکز تارک الملوها و فکل کراواتی هاست.»

مسجدی برای حمایت از فلسطین

از جمله فعالیت‌های آیت الله طالقانی در مسجد هدایت جمع آوری وجوه منحصی از جمله فطریه و ارسال

آن برای مبارزان فلسطینی بود. این اقدام البته با مخالفت برخی از روحانیون روبرو شده بود چرا که برخی معتقد بودند اختصاص فطریه برای سنی‌ها ایراد شرعی دارد. با این وجود طالقانی از طرق مختلف از جمله اعضای مجاهدین خلق و پاساژ حنیف‌زاد عربی در تهران مانند سفارت مصر وجوه شرعی را به فلسطین ارسال می‌کرده است. لطف الله میثمی در این خصوص می‌گوید: «در سال ۱۳۴۹ در روز عید فطر، آیت‌الله طالقانی در مسجد هدایت فطریه‌ها را برای فلسطین جمع کرد و پول جمع آوری شده را به شهید حنیف‌زاد داد و من از طرف حنیف نژاد مامور شدم که این پول‌ها را برای فلسطین ببرم. وقتی این پول‌ها برای رزمندگان الفتح برده شد. مسوول برادران مجاهد در پایگاه فلسطینی گفته بود ارزش این پول‌ها از دلارهای عربی خیلی بیشتر است، اگر چه مقدارش کمتر است.»

چریک‌های مسلمان، دانش آموخته مسجد هدایت

مسجد هدایت پایگاه اصلی تشکیل‌دهندگان مجاهدین خلق بوده است. سران مجاهدین و همچنین بسیاری از کارهای این سازمان همواره از حاضرین ثابت قدم در نمازهای جماعت و بحث‌های تفسیر قرآن طالقانی بودند. محمدتوسلی که خود از کارهای علمی سازمان بوده است در این خصوص می‌گوید: «آنچه را که خود من شاهد بودم و حضور داشتم، محمد حنیف‌زاد، سعید محسن و علی اصغر بدیع زادگان از جمله اعضای انجمن اسلامی دانشجویان بودند که در مسجد هدایت حضور بی‌نامی کردند و از بحث‌های تفسیر قرآن شیخ‌های جمعه طالقانی استفاده می‌کردند. مجاهدین از طالقانی و جلسات مسجد هدایت و جلسات انجمن اسلامی دانشجویی که مهندس بازرگان در آن سخنرانی می‌کرد به لحاظ فکری و اعتقادی بهره می‌گرفتند و شخصیت آنها در این دوران شکل گرفت. در مسجد هدایت مجال بود که در مجلسی طالقانی حضور داشته باشد و حنیف‌زاد و سعید محسن و بدیع زادگان غایب باشند.»

سلاواک در گزارش‌های خود از مستمعین سخنرانی‌های مسجد هدایت، به نام‌های متعددی اشاره می‌کند که بعدها همگی در جریان تلاش رژیم برای نابودی چریک‌های مسلمان، یا اعدام شده و یا درگیری‌های مسلحانه با ماموران امنیتی کشته شده‌اند. بر اساس این گزارش‌ها احمد رضایی از ثابت قدمان حضور در مسجد هدایت و از شیفتگان طالقانی بوده است. شاگردان مسجد هدایت به دنبال دفاعیات مهندس بازرگان در دادگاه نظامی به این جمع‌بندی رسیدند که دیگر دوران مبارزات قانونی و فعالیت‌های علمی به سر آمده است و با زمینه‌های فکری اعتقادی که در مسجد هدایت یافته بودند خود را در فاز جدید حرکت به سوی اقدام مسلحانه دیدند. در واقع نطفه حرکت مسلحانه مجاهدین و ایجاد

در سخنرانی‌ای اشاره

به صف بندی پیامبران در برابر مفسدان کردم و یادآور شدم برای شناخت مفسدان باید فرعون را برهنه کنیم تا هویت او را که جز برتری جویی، تفرقه‌افکنی و زورمداری نیست ببینیم. بعد از سخنرانی در محراب مسجد جمع کوچکی پیرامون او شکل گرفت. او با همان

صدای پرطنینش گفت: امروز خوب این جناب فرعون را برهنه کردی، برهنه کردی و در وسط کاخ سعدآباد نشاندی! لطفانی بعد به گزارشگر شهرتانی حاضر در مسجد هدایت به پرچاش گفت: دیگر بس است! در انتظار چه هستی؟ مگر نمی‌بینی سخنرانی تمام شد. دیگر کسی برضد امنیت و نظم کشور سخن نمی‌گوید!»

عبدالمجید معادیخواه که در آخرین روزهای پستی از تعطیلی مسجد هدایت در سال ۵۰ در این مسجد سخنران بوده است، طالقانی را در سال‌های ممنوع‌السخن بودن و در اوج فشارهای رژیم شاه به مبارزان به دنبال ضربه سلاواک به تشکیلات مجاهدین اینچنین توصیف می‌کند: «مسجد هدایت پایگاه اصلی سعید محمود طالقانی از سال ۱۳۲۷ تا پیروزی انقلاب یک سو متری برای تبلیغ دیدگاه‌های روحانیون همچون بهشتی‌باهر و هاشمی‌رفسنجانی که بر خلاف قاطبه روحانیت آن روز معتقد به مبارزه سیاسی و اجتماعی بودند، بوده است. سوی دیگر مامنی برای روشنفکران دینی همچون محمد تقی شریعتی، مهدی بازرگان و یدالله سجلی و از نگاهی دیگر پایگاه اصلی جوانان مسلمان بوده است که با تأسیس تشکیلات مخفی به مبارزه مسلحانه روی می‌آوردند. کتاب تاریخ شفاهی مسجد هدایت که توسط جلیل امجدی تدوین و از سوی مرکز اسناد انقلاب اسلامی منتشر شده است به واکاوی کارکردهای سیاسی و اجتماعی مسجد هدایت و نقش آیت‌الله طالقانی در ساماندهی مبارزات علیه رژیم شاه در این مسجد می‌پردازد.

مسجدی در محله سولگی پایتخت

مسجد هدایت در خیابان جمهوری (استامبول سابق) و در کوچه پارک قرار دارد. نام این کوچه به این دلیل پارک بوده است که سینمایی به همین نام در انتهای آن قرار داشته است. این مسجد یک در به کوچه یک در به خیابان دارد. آیت‌الله طالقانی در سال ۱۳۲۷ و به دنبال بازسازی این مسجد به آن دعوت می‌شود تا هفتما یک جلسه تفسیر قرآن بگوید. مسجد هدایت در نزدیکی لاله‌زار و مجاورت خیابان استامبول در محله‌ای از تهران واقع است که در آن سال‌ها مرکز اصلی سینما، تئاتر، کافه‌ها و مغازه‌های پرزرق و برق پایتخت بوده است. حضور طالقانی در مسجدی در این محل و تلاش برای شکل‌دهی مبارزه و فعالیت اجتماعی و سیاسی او این نکته قابل توجه در تاریخ مسجد هدایت است. چنانکه در کتاب تاریخ شفاهی مسجد هدایت آمده است: «طالقانی در سردر ورودی این مسجد (سمت سینما پارک) تابلوی کوچکی نصب کرده بود با این بیت شعر:

تشکیلات مخفی نظامی بی شک در مسجد هدایت و از دل روشنگری‌های طالقانی بیرون آمده است.

تعطیلی مسجد با فشار ساواک

در پایان رمضان سال ۱۳۵۰ ساواک تصمیم قطعی برای جلوگیری از فعالیت‌های طالقانی در مسجد هدایت می‌گیرد. در این سال نیروهای امنیتی از اقامه نماز عید فطر توسط طالقانی جلوگیری می‌کنند. اگرچه تعداد زیادی از نمازگزاران با محاصره خانه طالقانی برای اقامه نماز به امامت او تلاش می‌کنند اما طالقانی برای جلوگیری از ایجاد درگیری از مردم می‌خواهد نماز را به امامت فرد دیگری (مهندس بازرگان) اقامه کنند. از عید فطر سال ۱۳۵۰ که آیت الله طالقانی ممنوع‌السخن شد تا عید غدیر سال ۵۷ که با استقبال بی نظیر مردم و مراقبت شدید جوانان به مسجد بازگشت درست به مدت ۷ سال مسجد هدایت با تعطیل و یا در اختیار وعاط و وابسته به حکومت بود.

مشبری برای اصلاح، مشبری برای انقلاب

آیت الله طالقانی اگر چه امامت جماعت و سخنران اصلی مسجد هدایت بوده است اما نگاهی گذرا به سخنرانان و پیش نمازان این مسجد در طول سه دهه می‌تواند برداشتی مشخص از تبارشناسی مبارزات شکل گرفته حول این مسجد را نشان دهد. جلسات سخنرانی و تفسیر او با حضور جمع متنوعی از روحانیون سیاسی، اساتید دانشگاهی و دانشجویان مذهبی برگزار می‌شده است. در این میان اهالی محله مسجد هدایت و کسبه عادی نیز نقش بسزایی در اداره مسجد و جلسات آن داشته‌اند.

آیت الله سید ابوالفضل موسوی زنجانی: در فاصله دستگیری طالقانی از بهمن ۴۱ تا خرداد ۴۲ نماز و مراسم هفتگی و همچنین تفسیر بر عهده آیت الله سید ابوالفضل موسوی زنجانی بود. او یار و همسنگ نزدیک طالقانی در زندان تبعید بود. محمد توسلی در خصوص آیت‌الله زنجانی و فعالیتش در مسجد هدایت می‌گوید: «سبک و سلیق ایشان به طالقانی بسیار نزدیک بود بنابراین جوانان استقبال فراوانی از سخنان او می‌کردند.»

محمد تقی شریعتی: یار دیرینه آیت الله طالقانی و پدر دکتر علی شریعتی نیز مدتی در مسجد سخنرانی داشت و همچنین نماز جماعت به امامت استاد اقامه می‌شد. محمد جواد باهنر: دکتر باهنر مدت مدیدی در مسجد هدایت پس از نماز جماعت سخنرانی داشت و گاه نماز جماعت به امامت او برگزار می‌شد. توسلی در این خصوص روایت می‌کند: «در غیاب آیت الله طالقانی ایستاد آیت الله موسوی زنجانی هم نماز می‌خواندند و هم شب‌های جمعه صحبت می‌کردند. در آن سال‌های پایانی دیگر آیت‌الله زنجانی آمادگی نداشتند آقای دکتر باهنر این کارها را انجام می‌دادند.» باهنر از جمله سخنرانانی بود که پس از ممنوع‌السخن شدن آیت‌الله طالقانی فعالیت خود را در مسجد هدایت آغاز کرد. در خرداد ۴۷ طی

مذاکره میان او و آیت الله طالقانی تصمیم گرفته شد در غیاب طالقانی، او بحث‌های هفتگی تفسیر را دنبال کرده و به اتمام رساند. باهنر در خصوص فعالیت‌های خود در مسجد هدایت می‌گوید: «مسجد هدایت مسجد مرحوم طالقانی، یاقوت ما بود، که تا سه سال در مکه رمضان آنجا صحبت می‌کردیم. شب‌های جمعه زنجانی را آنجا صحبت کردم.» باهنر به دنبال ایراد سخنرانی تند در ابتقاد از جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی، از سوی ساواک

ممنوع المنبر می‌شود، سپهبد نصیری رئیس ساواک در نامه ممنوع المنبر شدن باهتر چنین آورده است: «همبرده که از وعظ افراطی و ناراحت مقیم تهران است اخیراً مبادرت به ایراد مطالب تحریک‌آمیز و خلاف مصالح در مسجد هدایت نموده است. علی‌هذا خواهشمند است دستور فرمایید نام وی را جزو وعظ ممنوع المنبر منظور و از نتیجه اقدامات معموله این سازمان را آگاه سازند- رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور»

مهسدی بازرگان: مهندس بازرگان یار نزدیک آیت الله طالقانی و بنیانگذار نهضت آزادی ایران از جمله افراد دانشگاهی بود که امامت جماعت مسجد هدایت به عهده او بود. در عید فطر سال ۱۳۵۰ که رژیم از برگزاری نماز به امامت آیت‌الله طالقانی در مسجد هدایت جلوگیری کرد نماز عید فطر را مهندس بازرگان اقامه کرد.

محمد مجتهد شبستری: مجتهد شبستری با توجه به پیشینه فعالیت در مسجد هدایت و ارتباط با آیت الله طالقانی پس از پیروزی انقلاب اسلامی برای دورهای عهده دار امامت نماز جماعت مسجد هدایت بوده است. عبدالعزیز معادیخواه: معادیخواه از جمله وعظی است که در سال‌های ۴۹ و ۵۰ به دعوت آیت الله طالقانی در ۱۰ شب آخر صفر در مسجد هدایت سخنرانی داشت.

مرتضی مطهری: مطهری از دیگر شخصیت‌های فعال در مسجد هدایت بوده است. او به دنبال بازداشت امام خمینی در سال ۴۲ در مسجد هدایت سخنرانی کرده و از مردم می‌خواهد برای آزادی امام خمینی تلاش کنند. ساواک گزارش‌های متعددی از سخنرانی‌های سیاسی و تند مطهری در مسجد هدایت در پرونده‌های خود آورده است.

اکبر هاشمی رفسنجانی: هاشمی رفسنجانی در دوران فعالیت آیت الله طالقانی در این مسجد جلسات سخنرانی داشته است. او در خصوص سخنرانی‌های خود در مسجد هدایت می‌گوید: «طالقانی بعد از آزادی از زندان محوری شده بود برای طیف گسترده‌ای از طرفداران مبارزه مسجد هدایت نیز برای ما پایگاه بسیار مناسبی که در مناسبت‌هایی آنجا سخنرانی می‌کردیم و از این طریق زمینه ارتباط گسترده‌تری با دانشجویان و دانشگاهیان و روشنفکران مذهبی فراهم می‌شد. در آن مقطع انجمن اسلامی مهندسین انجمن اسلامی پزشکان دبیرستان کمال و... هر یک پایگاهی برای مبارزه و تکمیل پایگاه‌هایی که ما داشتیم بودند.» هاشمی در بیشتر منبر خود به مساله فلسطین و سر نوشت آن می‌پرداخته است. ساواک در گزارش‌های خود از سخنرانی هاشمی در مسجد هدایت، به سخنان او بر ضد اسرائیل و لزوم احقاق حق مردم فلسطین اشاره می‌کند.

پیش نماز خیاط و پیراهن دوز مسجد هدایت: «سید ابراهیم» مفاز پیراهن دوزی در کوچه رفاه داشت و بعد از نماز در مسجد دعا می‌خواند. در مواقعی که آیت الله طالقانی نبودند و یا در زندان بودند به جای ایشان نماز جماعت برگزار می‌کرد. طالقانی بارها توصیه کرده بود وقتی نیستم مسجد را رها نکنید و با ایشان نماز بخوانید. طالقانی می‌گفت نیاز ندارد که فرد پیش نماز حتماً عبا و عماله و عنوان داشته باشد. پیش نماز دیگر حاج «احمد صادقی» از اعضای کادرهای اولیه مجاهدین خلق بود که در خیابان استامبول به شغل خیاطی اشتغال داشت. او از آغاز تاسیس مسجد تا پیروزی انقلاب مدیریت مسجد و رفق و رفیق امور را بر عهده داشت و گاهی نیز به نماز جماعت می‌ایستاد. شیخ مصطفی رهنما، پدال‌الله سبحانی، کاظم سلمی، فخرالدین حجازی، علی حججی کرمانی و هادی خسروشاهی از دیگر وعظ و نوآندیشانی بودند که به دعوت طالقانی در مسجد هدایت سخنرانی کرده و یا به منبر رفته‌اند.